

در امر انتشار اسناد محرمانه، کجای کار می لنگد؟

چگونگی مسئولیت مجرم در صورت افشای اطلاعات محرمانه

مشخصه رعایت شرایط رسیدگی با اطلاعات محرم

**ضرورت حصول توافقتنامه عدم افشای اطلاعات
نحوه پاسخگویی افشا کردن اطلاعات حساس
ویژگی های مدیریت اسناد محرمانه
مسئولیت افشای رازهای محرم**

افشای اطلاعات محرمانه یعنی دادن یا آشکار کردن داده های حساس، خصوصی، تجاری یا دولتی با افراد و گروهایی که اجازه دسترسی بآنها را ندارند. این کار میتواند بگونه عمدی یا از روی بی احتیاطی انجام شود و معمولن پیگردهای قانونی و زیان های مالی یا امنیتی بزرگی به همراه دارد. انواع اطلاعات محرمانه را میتوان ذیلن برشمرد: قرارداد عدم افشای اطلاعات، امنیت سایبری و آموزش کارکنان. پیامدها و مجازات، مسئولیت کیفری شامل حبس، جریمه نقدی. مسئولیت حقوقی، پرداخت خسارتهای مالی سنگین بصاحب اطلاعات و اخراج از کار را بدنبال دارد. جرایم مربوط بدسترسی و افشای اسناد محرمانه، یکی از جدی ترین تخلفات در حوزه اطلاعات و امنیت داخلی محسوب میگردد. این جرایم بدلیل تأثیرات بالقوه ای که بر امنیت، اقتصاد و حتا جرایم خصوصی افراد دارند، تحت نظارت دقیق قوانین داخلی و بین المللی قرار می گیرند. دسترسی غیرمجاز با اسناد محرمانه، شامل هرگونه ورود و دسترسی با اطلاعات محرمانه بدون داشتن مجوز قانونی است. دسترسی غیرمجاز می تواند بشکل های مختلفی صورت گیرد، از جمله: هک کردن سیستم، سوءاستفاده از دسترسی های موجود، استفاده از روشهای فزیکتی. انواع اطلاعات محرمانه در برگیرنده موارد ذیل می باشد: اطلاعات شخصی، اطلاعات تجاری، اطلاعات دولتی. راهای پیگیری و مقابله با آن را چنین بر می شمارند: قرارداد عدم افشای امنیت سایبری و آموزش کارمندان، عواقب قانونی جریمه نقدی و زندان.

بابررسی و کند و کاو نحوه عملکردهای اداره و اشنگتن، این حقیقت واضح و مسلم می گردد که رهبری ایالات متحده بمنظورتنظیم امور در کشور عزیز ما افغانستان، از همان ابتدای امر، از نبود ستراتیژی واحد و یگانه در عذاب بود. مهمتر از همه، اطلاعات و داده های عمومی توسط اداره یادشده، بویژه بر رهبری جورج دبلیو بوش و بارک اوباما، قلب مأهیت جلوه داده شد. در لابلای نبشته حاضر از عدم توجه لازم بمسایل مهم مورد بحث، تذکراتی بعمل آمده است. اما قبل از همه پرسشی باین شرح مطرح می گردد که چگونه اسناد مهمی بمطبوعات درز نمود؟ در زمینه، همه موارد، از سال ۱۳۹۳ خورشیدی آغاز گردید، بویژه زمانی که یکی از جمله خبرنگاران پنتاگون متوجه گردید که روزنامه نگاری، بر بنیاد قانون آزادی مطبوعات، خواهان دسترسی با اطلاعاتی در مورد شهادت های قبلی گردید، اما درخواستش رد گردید. مسأله یادشده، علاقمندی نامبرده را بموضوع مورد بحث بیشتر نمود، در عین حال متوجه شدند که صدها مصاحبه از این قبیل، بگونه ای قلب مأهیت جلوه داده شده است. در همین حال، "سیگار"، برنامه تحت عنوان "درس های آموخته شده"، تهیه و تدوین نموده و صورت حساب مصاحبه هایی با بیش از ۶۰۰ تن از آنعده شهروندانی را که

بنحوی از انحاء در چگونگی حل و فصل منازعه کشور عزیز ما از اثر گذاری معینی برخوردار بودند، منتشر نمود. با وجود اینهمه، اطلاعات گردآوری شده درین مجموعه، بگونه محتاطانه ای انجام پذیرفته که بر بنیاد آن، دستیابی بتصور کلی برای خواننده دشوار بنظر می رسد.

علاوه بر اسناد یادشده، مقالات منتشر شده، در برگیرنده یادداشت های کاری منتشر نشده توسط دونالد رامسفلد میگرد که در زمان یورش نظامیان ایالات متحده بکشور عزیز ما در امتداد سال ۱۳۹۹ خورشیدی، سمت وزارت دفاع ایالات متحده را عهده دار بود. آرشیف اسناد موجود در مورد مسایل کشور ما، این واقعیت را برملا می نماید کاداره و اشنگتن از همان ابتدای امر، از نداشتن ستراتیژی منسجمی در قبال قضایای کشور عزیز ما در رنج و عذاب بسر می برد. بر بنیاد گزارش های مؤثق، برخی از مقامات اداره و اشنگتن، در صدد دموکراتیک کردن افغانستان سعی نمودند، اما عده دیگر ازین میان، در صدد تغییر فرهنگ کشور ما و خواهان اعاده حیثیت، حقوق و آزادی های بانوان کشور بودند و اما برخیها هم در صدد دستیابی بموازنه قدرت منطقوی بین هند، پاکستان، ایران و روسیه بگونه جدی تلاش می ورزیدند. در نهایت امر، نماینده ویژه ایالات متحده در کشور ما، در دوران ریاست جمهوری جورج دبلیو بوش و بارک اوباما گفته بود که ایالات متحده اصلن برای "ثروتمندتر کردن کشورهای فقیر ویا بمنظور پیروزی دموکراسی در کشورهای استبدادی"، بمداخله مبادرت نمی ورزد. نامبرده همچنان گفته بود که هدف اداره آنها، تبدیل کشورهای متخاصم بکشورها ی صلح آمیز می باشد. اما یاددهانی بعمل می آید که در مورد کشور عزیز ما افغانستان، ایالات متحده بگونه واضح و آشکاری با شکست مواجه گردید.

روزنامه نگارها و اهل مطبوعات معتقدند که اسناد یادشده، این واقعیت را آشکار و برملا می نماید که اداره و اشنگتن، بویژه از ارائه پاسخ به بسیاری از پرسش ها و بواقعیتهای ذیل از جمله اینکه نظامیان امریکایی در محدوده افغانستان علیه چه کسانی وارد میدان و عرصه نبرد گردیده بودند، علیه "اقاعده" ویا "طالب" ها، طفره رفته و از زیر بار مسئولیت شانه خالی می نمودند.

درگیری های مسلحانه و مداخله ایالات متحده در کشور عزیز ما، گویا پاسخی به حملات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ عنوان گردید. اما پرسشی باین شرح مطرح می گردد کاین چه ربطی به "طالب" ها دارد که همیش اهداف شان را منحصر به افغانستان و در محدوده ملی اعلام نمودند؟

آیا در قبال مسایل مربوط بکشور عزیز ما، پاکستان را باید بمثابه دوست پنداشت یا دشمن؟ البته در کنار آنکه پاکستان بمثابه متحد سنتی ایالات متحده پنداشته میشد، همچنان حامی "طالب" ها نیز بود، اما در مورد چنگ سالارانی که در امر مبارزه علیه شوروی توسط "سیا" تأمین مالی شده بودند چطور؟ آنها از امریکایی ها حمایت بعمل آوردند، اما با شهروندان کشور خودشان بگونه دیگری رفتار نموده و با "طالب" ها نیز همدردی نمودند.

چنانچه بهمگان واضح و مبرهن می باشد، که نه جورج دبلیو بوش و نه بارک اوباما، هیچکدام از آنها قادر نگردیدند تا اهداف ستراتیژیک جنگ و درگیری های مسلحانه در کشور ما را بگونه واضحی تدوین نمایند. اما بسیاری از کارمندان وزارت امور خارجه ایالات متحده اظهار می نمودند که "ما نمی دانستیم وارد چه ماجرای می شویم." اما بیش از هر زمان دیگر، این واقعیت واضح و مبرهن گردید که تلاش بمنظور پایه گذاری دموکراسی در افغانستان به فساد کامل و گسترده ای انجامید. بگفته مقاماتی که "سیگار" با آنها مصاحبه ها و گفتگوهای انجام داده است، این واقعیت برملا گردید که برنامه رسمی تشکل و استقرار عاجل و فوری دموکراسی، بگونه آشکاری با چگونگی حیات و نحوه زندگی شهروندان کشور ما که بگونه متوالی و دوامداری قبیله گرایی، سلطنت داری، حاکمیت دموکراتیک و حکومت اسلامی را تجربه نموده بودند، از بیخ و بن ناسازگار و غیر قابل پذیرش بود. یک مقام وزارت امور خارجه ایالات متحده اذعان نمود که "سیاست ما ایجاد و پایه گذاری یک دولت مرکزی قوی و نیرومند در افغانستان بود. اما چنین تصویری اصلن در افغانستان، از قوه بفعل مبدل نخواهد گردید. زیرا افغانستان در امتداد زمانی موجودیتش، از نبود دولت مرکزی قوی و باتبات، در عذاب بوده است."

در کشور عزیز ما افغانستان، سیاسیون مجبور بودند با شهروندانی سروکار داشته باشند که باین باور بودند که شاه هنوز در قدرت است و مسایلی را در مورد روس ها و امریکایی ها نمی دانستند. در بسیاری از نقاط و محلات کشور، هنوز از پول تصویری هم نداشته و امر تبادل جنس به جنس صورت می گرفت، ایالات متحده سعی نمود تا واقعیت های سده ۲۱ را در جامعه ای که شهروندان آن در دوران و مرحله تاریخی متفاوتی بسر می برند، تحمیل نمایند.

در واقعیت امر، تمامی منابع اهدا شده در کشور ما با سرعت توسط برخی از سازمان ها دزدیده شد. بر بنیاد اظهارات یکتن از مشاوران نظامی امریکایی دولت برهبری حامد کرزی که تحت حمایت امریکا قرار داشت، بسرعت خود را

بیک دزد سالار مبدل نمود. ایالات متحده با وضعیت اینچینی در کشور، جمعیت محلی را بیشتر از پیش از خود بیگانه نمود. مطابق تخمین های تقریبی، حدود ۴۰ درصد از قرارداد های نظامی، یا توسط مقامات رسمی دولت غصب گر دیده و یا به شبه نظامیان و یا رزنان تعلق می گرفت.

در کنار این همه، آمادگی های شهروندان کشور عزیز ما در امر مبارزه با اسلامگراها با شکست مواجه شد. اما در عمل واضح گردید که بگونه متوسط از هر ۱۰ تن سرباز جدید استخدام شده، فقط دوتن آنها از سواد خواندن بهره مند بودند. مصاحبه شونده ها، باین واقعیت معترف گردیدند که تلاش های شان بگونه گلی، با شکست مواجه گردیده بود. علاوه بر آن، رهبران امریکایی اصلن در مورد چگونگی آموزش دقیق نظامیان کشور ما، نتوانستند به توافق نایل گردند. دونا لد رامسفلد، وزیر دفاع آن زمان ایالات متحده متذکر گردید که تعداد مجموعی نظامیان افغان نباید اضافه از ۵۰ هزار تن باشد، اما عده ای از جنرالان بلند پایه در پنتاگون، بگونه دایمی، بر افزایش تعداد نظامیان امریکایی در کشور ما پافشاری می نمودند. در نتیجه، در امتداد سال ۱۳۹۷ خورشیدی، روی کاغذ، تعداد مجموعی نیرو های مسلح کشور ما ۳۵۲ هزار تن بود. در واقعیت امر، بتعداد ۲۵۴ تن از مجروحین یاد شده در فهرست، اصلن غایب بودند. در امتداد سال های درگیری های مسلحانه در کشور، تعداد نظامیان افغان به ۶۰ هزار تن، یعنی ۱۷ برابر بیشتر از نظامیان امریکایی و ۲۰ برابر بیشتر از "طالب" ها تخمین می گردید. در امتداد زمانی موجودیت و حضور امریکایی ها در کشور ما، افغانستان بمرکز تولید تریاک جهان مبدل گردید.

بخاطر ما باشد که گفتگو با مقامات و کارکنان نظامی، بدرک ماهیت واقعی آنچه اتفاق افتاده، کمک می نماید، اما باید پذیرفت که در ابتدای کار، هیچکسی به تهدید های موجود اصلن فکر نمی کرد و تمام جدوجهد مقام های مربوط در امر مبارزه با افراط گرایی متمرکز گردیده بود، این اولن؛

زمانی که امر یاد شده در سال ۱۳۸۴ خورشیدی بواقعیت تبدیل گردید، اما در مورد یاد شده، هیچکدام برنامه ای تهیه و تدوین نگردید، این ثانین. در ابتدا بکشاورزان کمک های نقدی صورت می گرفت تا مزارع کشت خشخاش شان را تخریب و نابود نمایند. برین منوال، سال بعد، مساحت زمین های کشت خشخاش چندین برابر گردید. پس از این همه، امر یکایی ها خودشان، بدون هیچ غرامتی به نابودی مزارع یاد شده اقدام نمودند. عملکردهای اینچینی، موجبات نفرت شهروندان کشور ما نسبت بخود شان را سبب گردیده و بحمایت و جانبداری از "طالب" ها منجر گردید.

مقامات امریکایی و اداره کننده های جنگ، از واقعیت های یاد شده کاملن مطلع بودند، اما باظهارات و لفاظی های شان همچنان ادامه می دادند. گنجینه محرمانه ای از اسناد دولتی که به مطبوعات درز نموده، نشاندهنده این واقعیت می باشد که مقامات ارشد امریکایی در امتداد ۱۸ سال جنگ و درگیری های مسلحانه در کشور عزیز ما، در مورد حقیقت های قابل توجه درباره چگونگی حدوث حوادث و واقعات در کشور ما، مهر سکوت بر لب زدند. آنها اظهارات نادرستی را بمثابه واقعیت های امیدوار کننده، در خورد دیگران داده و شواهد و علایم واقعیت های مبنی بر غیر قابل پیروزی بودن جنگ در کشور ما را از اذهان جهانیان پنهان نمودند.

اسناد و شواهد یاد شده توسط یک اداره فدرال که ریشه ها، علل و عوامل شکست های ایالات متحده را در امتداد جنگ ها و درگیری های مسلحانه پیگیری می نماید، تهیه گردیده است. اسناد یاد شده در برگیرنده ۲۰۰۰ صفحه یادداشت های منتشر نشده، از مصاحبه ها با اشخاص و افراد سهیم در درگیری های مسلحانه در کشور ما و از مصاحبه و گفتگو با جنرال ها و دیپلمات ها تا امدادگران و مقامات افغان متشکل می باشد. دولت ایالات متحده تلاش بعمل آورد تا هویت تمامی مصاحبه شونده های برنامه یاد شده سرپوشیده و پنهان باقی بماند. برین بنیاد، بمنظور پنهان نگهداشتن اظهارات مصاحبه شونده ها اقدام نمودند. درین مصاحبه ها بیش از ۴۰۰ تن از افراد آگاه، انتقادهای فراوانی را از چگونگی اشتباهات رخ داده و نحوه گرفتار شدن ایالات متحده در درگیری های مسلحانه در کشور عزیز ما را مطرح نمودند. نا امیدی ها و اعترافاتی که بندرت در ملای عام ابراز می گردد، در مصاحبه های یاد شده بوضاحت تبلور می یابد.

بگونه نمونه، از سال ۱۳۹۷ خورشیدی، بیش از ۷۵۰۰۰ تن از نظامیان امریکایی بکشور ما سرازیر گردیدند. بر بنیاد آمار و ارقام پنتاگون، از این تعداد، چندین هزار تن آنها در افغانستان کشته شده و بتعداد ۲۰۵۸۹ تن نیز در جریان نبرد زخم برداشتند. مصالحه های یاد شده، طیف گسترده ای از نظرات، کاستی ها و کمبودی هایی را بوضوح برجسته می نماید.

در کنار سایر مسایل و موضوعات مطرح، از جمله باین مسأله تأکید بعمل می آید که چگونه رهیس جمهوری های سه گانه ایالات متحده هریک جورج دبلیو بوش، بارک اوباما و دونالد ترامپ و همچنان فرماندهان نظامی آنها قادر نگردیدند تا بوعده های شان در مورد پیروزی در کشور ما با اقدام عملی متوسل گردند؟

با توجه جدی باین واقعیت که اکثریت قریب بتمام آنها، چنین قیاس می نمودند که اظهارات شان اصلن علنی و افشا نخواهد شد. مقامات امریکایی اذعان نمودند که ستراتیژی های جنگی آنها در افغانستان بگونه مهلکی ناقص بوده و اما واشنگتن بگونه کورکورانه، مبالغ هنگفتی را بمنظور تبدیل افغانستان بیک کشور مدرن بهدر داده است. مصاحبه های یادشده از تلاش های ناموفق دولت ایالات متحده بمنظور مهار فساد افسار گسیخته و ایجاد قوت های مسلح و پولیس کارآمد در کشور عزیزما و رفع موانع بیشماری در تجارت را که بنحوی از انحاء برونق تجارت تریاک در کشورما منجر گردید، برجسته می نماید.

مقامات امریکایی همه چیز را می دانستند، اما باظهارات منحصر بفردی در موضعگیری های شان پا می فشردند. مسئولان هماهنگی تلاش های واشنگتن در کشورما، بیاد می آورند که وقتی برای نخستین مراتبه، زمزمه های حمله و یورش به افغانستان مطرح گردید، در میان مجموع اطرافیان جورج دبلیو بوش این احساس موجود بود که واقع می توان در درگیری های افغانستان سهم گرفت و اما دستیابی به نتیجه مطلوب در هاله ای از ابهام قرار داشت. متعاقب، اظهار نظرهای نماینده های دولت ایالات متحده در تضاد شدید با واقعیت هایی بود که برای آنها کاملن آشکار بود. پنتا گون بگونه علنی، از ۱۵۰۰۰ تن از افسران جدید پولیس افغانستان، بمثابه "متخصصان بسیار ماهر" ستایش بعمل آورد. این در حالی بود که دونالد رامسفلد وزیر دفاع آنکشور، بگونه خصوصی، مأدوان خویشت را تشویق می نمود تا گزارش های بنشر رسیده تحت عنوان "وحشت در پولیس افغانستان" را مرور نمایند.

سال های سال، جنرال های امریکایی در مورد مرفقیات های شان در دفع حملات "طالب" ها گزارش های تهیه می نمودند، بدون آنکه باین پرسش توجه نمایند که چرا آنها همچنان بحملات خویشت ادامه می دادند؟ در امتداد سال های ۱۳۸۷ - ۱۳۸۹ خورشیدی، اداره واشنگتن بر هیری بارک اوباما، بگونه پیوسته ای خواستار ارا ئه ارقامی بود که درستی و مؤثریت ستراتیژی رهیس جمهوری جدید را برخ دیگران بکشد. یک مقام ناشناس شور ا ی امنیت ملی امریکا اذعان می نماید کاین کار دشواری بود، اما حقایق قلب مأهیت جلوه داده شد. بگونه نمونه، مو جودیت یک بمب گذار انتحاری بمثابه مدرکی دال بر ضعف "طالب" ها ارائه گردید که بیشتر از این قادر به تداوم درگیری های مسلحانه نمی باشند.

انتشار اسناد محرمانه بازگوی این واقعیت می باشد که چندین دولت امریکایی، بگونه سیستماتیک در مورد چگونگی وضعیت امور در کشور عزیزما، نه تنها به شهروندان امریکایی، بلکه به مجلس سنا نیز دروغ گفته اند. چنین پنداشته می شود که اسناد یادشده، احساسات گسترده ضد جنگ در ایالات متحده را بیش از پیش دامن زده است. پس از انتشار اسناد مربوط به قضایای کشورما، برخی از سناتورها گفتند که خواستار جلسات استماع ویژه در مورد وضعیت در افغانستان خواهند شد.

نشریه اتلانتیک در ایالات متحده می نویسد که اسناد بنشر رسیده، واقع "تعجب آورو تکان دهنده" پنداشته می شود. با وجود آنکه جنگ ایالات متحده در کشور عزیزما افغانستان، از نقطه نظر زمانی، طولانی تر از جنگ آنکشور در ویتنام بود، اما توجه اندک شهروندان امریکایی را بخود جلب نموده است. اما زمانی که اسناد پنتاگون در مورد جان باختن نظامیان آنکشور در افغانستان منتشر گردید، جنبش قدرتمند ضد جنگ در ایالات متحده پا گرفت، اما بدلیل تداوم جنگ و درگیری های مسلحانه در کشورما، جنبش اینچنینی اصلن وجود نداشت.

اگرچه افشاگری های اینچنینی، بویژه در سال ۱۳۴۸ خورشیدی نادر بود، اما در امتداد سال های پسین، بویژه از زمان افشاگری های ویکی لیکس، بسیار رایج تر شده اند. بمثابه برخی ازین برنامه، اتفاقن در سال ۱۳۷۸ خورشیدی، "خا طرات جنگ افغانستان" منتشر گردید کاز بسیاری جهات، مقدم بر "آرشیف افغانستان" بود.

در نهایت امر بمثابه نتیجه گیری آنچه گفته آمد، باید متذکر گردید که با وجود افشاگری های یادشده که تصویر نسبتن ناخوشایندی از اقدامات و عملکردهای ایالات متحده در کشور عزیزما ارائه می نماید، اما هیچگونه مدرکی دال بر جنایات های مستقیم انجام پذیرفته توسط رهبری سیاسی و نظامی ایالات متحده در آن سراغ نمی گردد. بسخن دیگر، اصل پاسخگو پنداشتن کسی و یا کسانی در قبال جرایم انجام پذیرفته بر بنیاد اسناد یادشده دشوار بنظر می رسد. در نهایت امر، همچنانی که بسیاری از نشرات امریکایی، توضیحاتی در مورد ارائه نموده اند، اسناد یادشده در برگیرنده جزئیات مهمی می باشند. اما مسأله اصلی، حتا بدون موجودیت اسناد یادشده نیز موجود می باشد و آن اینکه ایالات متحده در امتداد دوده تمام نتوانست به شکست کامل طرف مورد نظر موفق گردد و از جانب دیگر، قادر نگردید تا با اهداف مورد نظرش در کشور عزیزما دست یابد. بمنظور حل و فصل مناقشه یادشده، دولت بر هیری جوبایدن همان کاری را انجام داد که دولت بر هیری دونالد ترامپ در انجام آن کوشا بود، یعنی آغاز و انجام مذاکرات با "طالب" ها که نتیجه

آن، وضعیت کنونی حاکم در کشور عزیز ما می باشد. باید با صراحت اظهار نمود که در مجموع ستراتیژی سیاست خارجی ایالات متحده، بگونه کُلی باید بازنگری بعمل آید. اما پر واضح است که چنین کاری بسرعت اصلن اتفاق نخواهد افتاد.

یکشنبه اول ماه سنبله سال ۱۴۰۵ خورشیدی، برابر با ۲۳ ماه اگست سال ۲۰۲۶ ترسایی